

نامه هشدار آمیز اعضای شورای شهر تهران به سران نظام:

مهر محرمانه بر فرونشست‌ها



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

سیصد و یازدهمین جلسه شورای شهر تهران پر بود از موضوعات حائز اهمیت. از افزایش عوارض بهشت زهرا گرفته تا توقف‌بخشنامه معاون علیرضا آکانی، شهردار تهران و شرایط فضای سبز تهران. اما یکی از موضوعات مهمی که مطرح شد، فرونشست‌هاست.

پیش از شروع جلسه مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در جمع خبرنگاران حاضر شده و از فروش اراضی عباس‌آباد اظهار بی‌اطلاعی کرده و درباره هتل ولنجک گفت: «این پلاک باغ نیست و فضای سبز آن همان درختان کاجی بوده که شهرداری کاشته و باغ نبوده است. دادستانی گفته که باید درختان جابجا و خسارت آن نیز پرداخت شود. وزارت مسکن زمین را تحویل داده که هتل ساخته شود و هیچ کار دیگری نمی‌تواند جز ساخت هتل انجام دهد. ممکن است در گذشته کارکرد آموزشی بوده باشد اما بنده ده‌ها جلسه کمیسیون را حضور داشتم و اگر در مورد کارکرد آموزشی چیزی مطرح می‌شد، در یاد بنده می‌ماند. به هر شکل هتل ولنجک در ۳۰ طبقه ساخته خواهد شد.» این در حالی است که نامه‌محبتی عبداللهی، معاون خدمات شهرداری تهران در دوره قالیباف (سال ۹۳) طی نامه‌ای (به شماره ۶۱۱/۱۶۰۹۱) به احمد مسجدجامعی، رئیس وقت شورای شهر تهران اعلام کرده بود که این پلاک رای باغ دارد و شهرداری در بی تملک آن است. ضمن آنکه طبق جلسه شماره ۱۱۲۷ کمیسیون ماده ۷ این ملک بار دیگر رای باغ آورده و باغ محسوب شده است. از سوی دیگر علی محمد مختاری، مدیرعامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران که یکی از امضاکنندگان این جلسه کمیسیون ماده ۷ بوده، در گفت‌وگو با هم‌میهن علاوه بر تایید یاد بودن این ملک گفت: «ساخت و ساز باید مطابق قانون انجام شود و نهادهای نظارتی بر این موضوع نظارت داشته باشند.» ساخت هتل در این ملک به نوعی تخلف است.

▼ شیره جان تهران را با چاه نکشید

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در ادامه درباره آب شرب تهران نیز تاکید کرد: «قرار است ۵۰ تا ۷۰ چاه عمیق ۲۵۰ متری بزنند تا آب شرب تهران را تامین کنند. البته این چاه‌ها بقیه چاه‌های دیگر خشک و یا منابع زیرزمینی کشور را تهی می‌کند. نامه‌ای برای رؤسای سه قوه ارسال شد و استدلال‌ها و مستندات را برای نردن این چاه‌های عمیق اعلام کردیم. دو، سه سال دیگر که منابع تمام می‌شود، می‌خواهند چه کار کنند؟ فرونشست‌ها هم وجود دارد. به همین دلیل صلاح نمی‌دانیم که این چاه‌ها حفر شود. ما در بودجه‌های خود ردیفی را گنجاندمیم تا سازمان آب بتواند آبی که از سد لتیان هدر می‌رود را به تهران هدایت کند. امیدواریم از این دست اقدامات در پیش بگیرند. اینکه ما چاه بزیم ساده‌ترین کار اما خطرناک است. چاه‌هایی که داریم در اختیار سازمان آب قرار دادیم و به تدریج استفاده از آنها را منتهی می‌کنیم.» در حقیقت او می‌گوید که قرار است با حفر چاه‌های عمیق شیره باقی‌مانده پایتخت را بکشند و فرونشست‌ها را از مر حله بحران به مر حله فاجعه تبدیل کنند.

او در پاسخ به هم‌میهن درباره فرونشست‌ها و اهمیت آن در نامه به سران قوا گفت: «شرایط دقیق فرونشست را متخصصان باید اعلام کنند. نقشه‌های آن را برای ما ارسال کردند. اما در همین چند ماهه گذشته ر بررسی کردند که مدارک را پیوست نامه‌ها کردیم.» رئیس شورای شهر تهران به تشریح کمبود آب در پایتخت، پرداخته و تاکید کرد: «در حال حاضر بیش از آب خاکستری یا پسایی که قرار بود برای آبیاری فضای سبز استفاده کنیم، بهره می‌بریم. امسال هم بودجه بیشتری به این بخش اختصاص دادیم تا آب‌های بیشتری تصفیه شود.»

▼ خیانتی به نام «حفر چاه» در تهران

مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران اما از مهر محرمانه بر نامه شورای شهر تهران به رؤسای سه قوه خبر داده و تاکید کرد: «به دلیل این مهر محرمانه نمی‌توانم آن را در اختیار اصحاب رسانه قرار دهم. این نامه با موضوع فرونشست به سران سه قوه (پزشکیان، قالیباف و اژه‌ای) ارسال شد. جمعیت استان تهران

بیش از ۱۵ میلیون نفر و تراکم جمعیتی آن ۱۹ برابر کشور است. تهران امروز با بحران جدی کم‌آبی و فرونشست روبه‌رو است. لذا خطرانی که تهران را باهویزه مناطق جنوبی آن را تهدید می‌کند مشخص شده است. امید است که سران سه‌قوه این نامه را جدی بگیرند. تمام آسیب‌هایی که ممکن است مناطق جنوبی را با خود

درگیر کند، در این نامه‌مورد توجه‌بوده است. امیدواریم دستگاه‌های نظارتی موضوع را جدی بگیرند تا در دهه‌های آینده شاهد فرونشست در مناطق جنوبی نباشیم.» او افزود: «رونوشت این نامه‌ها به شورای امنیت کشور، ستاد فرماندهی قرارگاه ثارالله، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، شورای تامین استان و شهردار تهران ارسال شده است. انشالله دستگاه‌های نظارتی موضوع فرونشست را جدی بگیرند که خدای نکرده در دهه‌های آینده در این مناطق نباشیم. طبق اعلام سازمان نقشه‌برداری ۳۱ سانتی‌متر هر ساله فرونشست اتفاق می‌افتد. در حقیقت پس از ۱۰ سال ۳ متر در این محدوده‌ها فرونشست رخ می‌دهد. چه اتفاقی برای ساختمان‌های فرسوده‌ی موجود در آن محدوده‌ها می‌افتد؟ وقتی یک منطقه ۳ متر فرونشست کند، ساختمان‌های فرسوده نمی‌ریزد؟ افرادی که در آن ساختمان‌ها هستند جان خود را از دست نمی‌دهند؟ علاوه بر این تأسیسات شهری نیز (آب، برق، گاز …) در این مناطق دچار مشکل می‌شود. این معضل باید پیش از تبدیل به بحران، مرتفع شود. در این راستا حفر هر گونه چاه به‌ویژه در مناطق جنوبی و جنوب غربی تهران قطعاً خیانت به شهرو و شهروندان تهران است. حفر هر گونه چاهی به فرونشست‌های بیشتر انجامیده و جان بسیاری را تهدید می‌کند.»

اما این تنها موضوعی نیست که پیرهادی به آن اشاره می‌کند؛ توقف فعالیت مدیران پشت سد نظارت‌ها از دیگر موضوعاتی است که او مطرح کرده و می‌گوید: «برخی مدیران به دلیل ایجاد مشکلات از سوی دستگاه‌های نظارتی فعالیت کمتری می‌کنند. دستگاه‌های نظارتی باید همکاری بیشتری داشته باشند و اینگونه نباشند که دستگاه نظارتی سرعت‌گیر باشد. این موضوع نسبت به قبل کمتر شده اما هنوز هم در شهرداری و هم در دیگر دستگاه‌ها شاهد این دست‌اندازها هستیم.» موضوع دیگری که در صحن شورای شهر تهران بررسی شد، «عوارض نرخ خدمات سازمان بهشت زهرا» بود که پیرهادی شرایط این سازمان را تشریح کرد.

▼ قیمت قبر در بهشت زهرا

محمدجواد تاجیک، مدیرعامل سازمان بهشت زهرا (س) در پاسخ به پرسشی درباره تأمین هزینه‌های این سازمان پس از توقف خاکسپاری در بهشت زهرا، گفت: «میانگین بهای خدمات ما به مردم از بسیاری از کلان‌شهرهای کشور پایین‌تر است و هزینه‌ای که از مردم دریافت می‌شود تقریباً یک‌چهارم هزینه‌ای است که برای تدفین و خدمات مرتبط صرف و بخشی از این تفاوت از طریق کمک‌های شهرداری و فروش قبور جبران می‌شود.»

او درباره آخرین زمان ظرفیت بهشت زهرا و آغاز دفن در آرامستان‌های جدید تاکید کرد: «با تکمیل ظرفیت قطعه ۱،۴۴ تمام متوفیان جدید به آرامستان‌های تازه‌تأسیس منتقل خواهند شد، مگر آنکه قبری از قبل در بهشت زهرا رزرو شده باشد. تاکنون چهار قطعه برای آرامستان‌های جدید در نظر گرفته شده که یکی از آن‌ها به تصویب رسیده و در مرحله طراحی و آماده‌سازی اولیه قرار دارد. طبق برنامه‌ریزی‌ها، این آرامستان در نیمه اول سال ۱۴۰۴ آماده بهره‌برداری خواهد بود.» مدیرعامل سازمان بهشت زهرا افزود: «آرامستان‌های جدید در جنوب غرب و جنوب شرق تهران، از جمله در ابتدای آزادراه‌های تهران-ساوه و تهران-مشهد، احداث می‌شوند.» او با تایید تبدیل برخی از پیاده‌راه‌های بهشت زهرا به قبر تاکید کرد: «تلاش این است که از ظرفیت فعلی قبور بهشت زهرا بیشتر استفاده کنیم و اصطلاحاً خودمان را «کش» می‌دهیم تا از حداکثر ظرفیت بهشت زهرا استفاده کنیم و سال دیگر نتوانیم در آرامستان‌ها دفن داشته باشیم.» تاجیک درباره قیمت قبرها گفت: «طبق مصوبه شورای شهر تهران به ازای هر طبقه ۱۵ میلیون تومان دریافت می‌کنیم. قیمت قبر در قطعات ناحیه یک تا ۲ در بهشت زهرا از قبر رایگان داریم که در ناحیه ۳ است تا قبری که قیمت آن در سال ۱۴۰۳ برای هر طبقه ۵۰ میلیون تومان بوده و ۲۵درصد به آن اضافه شده است. در ناحیه ۲ هر طبقه قبر ۳۰ میلیون تومان بوده که ۲۵درصد به آن اضافه شده است. در ناحیه غیر از قطعات روز دفن قیمت هر قبر ۲۰ میلیون بوده که ۲۵درصد برای سال ۱۴۰۴ به آن اضافه شده است. یک طبقه قبر رایگان به خانواده متوفی تعلق می‌گیرد و برای دو طبقه دیگر هر قبر طبق مصوبه شورای شهر تهران ۱۵ میلیون تومان (برای هر طبقه) باید بپردازند.»

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

ارزیابی کارشناسان از موضع‌گیری رهبری پس از انتشار خبر نامه ترامپ

ایران آماده مذاکره هسته‌ای؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

عصر روز شنبه، دیدار رمضانی مقام رهبری و کارگزاران نظام برگزار شد؛ دیداری که با توجه به شرایط زمانی و موقعیتی که کشور در آن قرار دارد و همچنین موضوع ادعای ارسال نامه‌ترامپ به‌آیت‌الله‌خامنه‌ای، حائز اهمیت‌بیشتری بود. آیت‌الله‌خامنه‌ای بخشی از صحبت‌های خود را در این دیدار به موضوع سیاست خارجی و مسئله‌مذاکره هسته‌ای اختصاص دادند.

ایشان گفتند: «اینکه بعضی از دولت‌های قلدر —واقعا بنده هیچ تعبیری مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی، جز همین کلمه‌ی «قلدر» سراغ ندارم— اصرار به مذاکره می‌کنند، مذاکره‌ی آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکم است. [می‌گویند] مذاکره کنیم تا آنچه را که می‌خواهیم، بر طرف مذاکره — که آن طرف میز نشسته — تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه بهتر، اگر قبول نکرد جنجال راه بیندازیم که اینها از میز مذاکره فاصله‌گرفتند، از پای میز بلند شدند! این تحکم است. مذاکره برای آنها راهی است، مسیری است برای طرح توقعات جدید.» رهبری افزودند: «مسئله‌فقط مسئله‌ی هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جان‌نوید، فلان چیز را تولید نکنید، برد موشک‌تان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر کسی می‌تواند اینها را قبول کند؟ مذاکره برای این چیزها است و البته اسم مذاکره را هم تکرار می‌کنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند که بله، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟ [این] مذاکره نیست؛ تحکم است، تحمیل است. علاوه‌ی بر جهات دیگری، که حالا جای بحثش اینجا نیست و بنده هم امروز قصد ورود در این مسئله ندارم؛ حالا یک وقتی ممکن است در یک جاهایی بحث کنیم؛ لکن اجمالاً مسئله‌ی این است.» با توجه به عدم نفی مذاکره در موضوع هسته‌ای از سوی رهبر انقلاب و همچنین دیگر مواضع رسمی کشور، تحلیلگران بر این باورند که آیت‌الله‌خامنه‌ای تا حدودی خطوط و چارچوب مذاکره با طرف مقابل را ترسیم کردند. روز گذشته، نسخه کامل مصاحبه دونالد ترامپ با شبکه فاکس نیوز که در آن برای نخستین بار مدعی ارسال نامه به رهبر ایران شده بود، منتشر شد. ترامپ در این گفت‌وگو مدعی شد: «هفتم اکتبر نیز رخ نمی‌داد زیرا ایران فقیر بود و آن‌ها پولی برای دادن به حماس و حزب‌الله نداشتند.» او ضمن تکرار تهدیدهای پیشین خود علیه ایران، ادعا کرد: «اواشنگتن خواستار دستیابی به توافق با ایران درباره برنامه هسته‌ای آن است. اما زمان در حال پایان است.» او ادامه داد: «اگر مجبور به مداخله نظامی در مورد ایران شویم، برای آنها وحشتناک خواهد بود. من ترجیح می‌دهم که با ایران مذاکره کنم و مطمئن نیستم که همه ما من موافق باشیم.»

▼ زیر سایه شمشیر مذاکره نخواهیم کرد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در بخش پایانی نطق دیروز خود در صحن علنی، به این موضوع پرداخت. قالیباف گفت: «در پایان در باره ادعای رئیس جمهور آمریکا مبنی بر مذاکره با ایران، باید گفت رفتارهای رئیس‌جمهور آمریکا با دیگر کشورها به روشنی نشان می‌دهد، این اظهارات صرفاً فریب «مذاکره‌ناپس» با هدف تحمیل خلع سلاح ایران است که وی در «سند سیاستی» آمریکا ر آن اضا کرده است. این‌یک امر بدیهی است که هیچ مذاکره‌ای زیر سایه شمشیر تهدید با دست‌روکار تحمیل امتیازخواهی‌های جدید به رف تحريم منجر نمی‌شود و به نتیجه‌ای نمی‌رسد، مگر تحقیر ملت عزتمند ایران. امروز بیش از هر زمان دیگر روشن شده است که رف تحريم از مسیر قوی شدن ایران و ختنی‌سازی تحريم امکان‌پذیر است لذا ما منتظر هیچ نامه‌ای از سوی آمریکا نمی‌مانیم و معتقدیم با استفاده از ظرفیت‌های عظیم داخلی و فرصت‌های توسعه روابط خارجی با دیگر کشورها می‌توان به چنان جایگاهی رسید که دشمن چاره‌ای جز رف تحريم‌ها در قالب ادامه مذاکرات با کشورهای باقی‌مانده در برجام نداشته باشد.»

▼ مذاکره در باره برچیدن برنامه هسته‌ای شکل نمی‌گیرد

نمائندگی دائم ایران در سازمان ملل عصر دیروز به وقت تهران، در پستی کوتاه نوشت: «اگر مقصود از مذاکره، دست‌یابی به هدف رف نگرانی از احتمال نظامی شدن برنامه هسته‌ای ایران باشد، قابل بررسی است؛ اما اگر برچیدن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد که گفته شود کاری که ابوامان‌توانست انجام دهد را ما انجام دادیم، چنین مذاکره‌ای هیچ‌وقت شکل نخواهد گرفت.»

▼ پای ایران در میان است

احمدزیدآبادی، تحلیلگر سیاسی و مشاور هم‌میهن در تحلیل شرایط فعلی کشور نوشت: «الی سونگ نماینده چین در ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی: «تأکید می‌کنیم آمریکا به عنوان عامل اصلی تخریب برجام، باید هر چه سریع‌تر گام‌های عملی برداشته، به‌تلاش‌های دیپلماتیک‌بین‌المللی بازگردد و با ایران وارد گفتگو شود.» پیش از این دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا آمادگی خود را برای گفت‌وگو با جمهوری اسلامی اعلام کرده است. بنابراین، روی سخن مقام چینی به طور غیر مستقیم به سمت تهران است تا با آمریکا وارد گفت‌وگو شود. روس‌ها هم به صراحت گفته‌اند که اختلافات ایران و آمریکا باید از طریق گفت‌وگو و مذاکره حل شود. سیاست «نفی مذاکره و گفت‌وگو» بین دو کشور معمولاً در سطح جهان طرفداری ندارد و ظاهرآ به همین دلیل، دولت ترامپ برای مذاکره با جمهوری اسلامی پیشقدم شده است تا از این جهت ایران را طرف «لجبار» در ماجرای تنش بین دو کشور نشان دهد و به انزوا بکشانند. این نکته‌ای

است که رهبر جمهوری اسلامی نیز در سخنان روز شنبه خود به آن اشاره کرد. احتمالاً به همین علت، وی به جای نفی صریح مذاکره بر عدم تسلیم در برابر خواست آمریکا تاکید کرد. به‌هر حال، حفظ‌سنگر «عدم مذاکره» در دنیای امروز بسیار سخت‌تر و پرهزینه‌تر از ورود به مذاکره است. به نظر به زودی اجامعی جهانی درباره ضرورت مذاکره ایران و آمریکا شکل خواهد گرفت. همانطور که بارها تاکید کرده‌ام، مذاکره در دنیای سیاست صرفاً یک ابزار برای حل اختلاف و فصل‌تخاصم است و به خودی خود معجزه‌ای نیست که کور کند یا شفا دهد.

اصل موضوع، چیزی است که دو طرف مذاکره روی میز می‌گذارند و تا مذاکره آغاز نشود، نمی‌توان به دقایق آن پی برد. تا این لحظه، هنوز آنچه آمریکا و ایران برای حل اختلافات بین خود از یکدیگر طلب می‌کنند، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بنابراین، تمام آنچه این روزها در رسانه‌ها و یا از زبان برخی افراد مطرح می‌شود، از دقت لازم برخوردار نیست. واقعیت این است که خواست‌های طرف ایرانی از آمریکا ابهام‌بیشتری دارد. دولت و نظام جمهوری اسلامی هنوز مشخص نکرده‌اند که در چه شرایطی حاضرند از دایره خصومت با ایالات متحده خارج شوند و در برابر رف تحريم‌های اقتصادی کشور، چه امتیازات مشخصی ارائه دهند. طرف آمریکایی نیز گرچه کمی صریح‌تر بوده اما هنوز چارچوب مشخصی را مطرح نکرده است. از فحوای کلام مقام‌های آمریکایی چنین برمی‌آید که آنان خواهان قطع کمک جمهوری اسلامی به گروه‌های متحدش در خاورمیانه، ایجاد حد و مرزی برای برد موشک‌های بالستیک و برچیدن چرخه غنی‌سازی اورانیوم در ایران هستند. در مقابل، آنان ظاهراً حاضرند که تحريم‌های اقتصادی ایران را رف کنند و راه سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت آزاد ایران با دنیا را بگشایند. جزئیات هر کدام از این موارد اما روشن نیست. با این حال، ترامپ چنین معامله‌ای را برای هر دو طرف بسیار سودمند می‌داند و آن را به‌خصوص سبب جلوگیری از بروز جنگ و بر خورد نظامی قلمداد می‌کند، حال آنکه برخی محافل داخلی ایران، آن را «خلع سلاح» و یا «تسلیم» ایران در برابر آمریکا توصیف می‌کنند. ارزش سلاح چه از نوع متعارف و چه غیر متعارف آن برای هر کشور، قدرت بازدارندگی آن از بروز جنگ و یا علیه آن در صورت بروز جنگ است وگرنه کارکرد لازم را ندارد. برای من تا این لحظه مشخص نیست که آیا مقام‌های جمهوری اسلامی قدرت تسلیحاتی کشور را برای بازدارندگی در مقابل بروز جنگ، کافی و واقعی می‌دانند و اطمینان دارند که در هر صورت جنگی در انتظار کشور نیست؟ یا اینکه جنگ را محتمل می‌دانند اما خود را طرف پیروز آن به‌شمار می‌آورند؟ یا اینکه شانس پیروزی را بالا نمی‌دانند و در عوض روی وارد کردن ضربه و آسیب متقابل شرط‌بندی می‌کنند؟ اینها پرسش‌هایی است که باید با بی‌طرفی علمی ودقت فراوان مورد بررسی قرار گیرند. داستان را نباید ساده فرض کرد، پای ایران در میان است.»

▼ لزوم حفظ فضای گفت‌وگو

سیدفatem موسوی، تحلیلگر سیاست خارجی نیز در یادداشتی نوشت: «در صحبت‌های امروز رهبری نشانانی از انسداد مطلق مذاکره وجود نداشته است. هر چند چپش شخصیت‌های راست و چپ ایشان و همچنین آیه پشت سرشان حاوی پیام واضحی بود. چپشن افراد و نشانه‌های بصری نیز حامل پیام‌های خاصی بودند. معمولاً این جزئیات در سخنرانی‌های رسمی بی‌دلیل انتخاب نمی‌شوند و می‌توانند نشانه‌هایی از سیاست‌گذاری کلی باشند. این پیام به صورت واضح نشان می‌داد که با مذاکره به هر صورتی موافق نیستند؛ اما ادبیات و فحوای سخنان بر خلاف سخنان قبلی از بار دیپلماتیک پرورنی بر خوردار بود. این سخنان به صورت حرفه‌ای از این مضمون بر خوردار بود که اگر مذاکره حول وحوش مناقشه هسته‌ای باشد، با آن مشکلی وجود ندارد؛ ولی مذاکرات گسترده و بی‌ضابطه که همبتنی بر توقعات فزاینده باشد، مورد قبول واقع نخواهد شد. به‌علاوه، یک‌ملحظه دیگری هم وجود داشت و آن استفاده از اهرم مذاکرات برای نیل به مقاصد پس از آن است. آنجا که ترامپ عملاً با بیشینه‌سازی انتظارات شرایط را برای پسامذاکرات فراهم نماید. به عبارتی، شکست مذاکرات را بر عهده طرف ایرانی بگذارد تا زمینه زودخورد جنگی را مهیا کند.»

▼ تماس میان ایران و آمریکا باید برقرار شود

کوروش احمدی، دیپلمات پیشین ایران در نیویورک در تحلیل مواضع مقامات کشور درباره مسئله مذاکرات هسته‌ای به هم‌میهن گفت: «برداشت من از صحبت‌های آقای (آیة...) خامنه‌ای در جلسه شنبه این بود که مذاکرات هسته‌ای را به‌طور کامل و تحت شرایطی رد نکردند. گفتند در مورد مسائل منطقه و برنامه موشکی حاضر به مذاکره نیستیم اما موضوع هسته‌ای را مستکوت گذاشتند. بنابراین، راه بسته نیست. آنچه آقای قالیباف در نطق روز یکشنبه گفت و همچنین پستی که نمایندگی ایران در سازمان ملل، در شبکه توئیتر منتشر کرد در همین جهت است.» وی افزود: «توجه به این نکته مهم است که اظهارات علنی و به اصطلاح پشت‌بلندگویی مقامات کشورها به‌طور عام، هیچ‌وقت نمی‌توانند مبنای تصمیم‌گیری برای طرف‌های کاری و همتایان‌شان در کشورهای دیگر باشد. مثلاً زمانی که ترامپ صحبت می‌کند، در آن واحد چند مخاطب را در نظر می‌گیرد و متناسب با وضعیت سیاسی داخلی و کشورهای متحد خود و البته پیام‌هایی که باید به آن‌ها منتقل شود، صحبت می‌کند. بنابراین، با قاطعیت نمی‌توان از اظهارات شفاهی رهبران کشورها متوجه شد که موضوع اصلی و واقعی مدنظرشان چیست. این نظرات واقعی فقط در جلسات گفت‌وگو، مذاکره و تماس قابل احراز است. در غیر این صورت، می‌شود آن را به حساب لفاظی، سیاست‌بازی و راضی کردن مخاطب‌های مختلف و پایگاه رای‌شان گذاشت. بنابراین، تا زمانی که دو طرف همدیگر را نبینند، نه‌اینکه الزاماً مذاکره کنند- نمی‌توانند بفهمند در ذهن طرف مقابل چه می‌گذرد.» او تاکید کرد: «کشورهایی موضعی دارند که به آن، موضع مذاکرانی می‌گویند. این موضع، موضعی است که مطرح می‌شود برای اینکه روی آن چانه‌زنی صورت بگیرد. کشورهای درگیر یک مذاکره، در جلسات ابتدایی این موضع را مطرح می‌کنند و چانه‌زنی می‌کنند و هر کدام با گرفتن امتیازاتی به تدریج تا جایی عقب

گزارش

یک